

آموزه‌های تربیتی امام سجاده علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام در ایام اسارت

حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا*

اشاره

ماه صفر مناسب خوبی برای طرح این موضوع است که ایام اسارت آل‌الله به‌مثابه دوره درس تربیتی برای تمام عاشقان مکتبی اهل بیت علیهم السلام است. شاید کسی تصور کند که در ایام اسارت که انسان مؤمن اختیاری از خود ندارد، به‌یقین مسئولیتی هم در قبال رسالت دینی خود نخواهد داشت؛ اما در این نوشتار نشان می‌دهیم که ایام اسارت چیزی از تکالیف انسان نمی‌کاهد، بلکه فقط شیوه آن تغییر می‌یابد.^۱ انسان ممکن است همواره از نعمت آزادی برخوردار نباشد؛ از این رو گاهی در اسارت دشمن گرفتار می‌شود. اما درین‌بودن هرگز موجب نمی‌شود که او رسالت خودش را فراموش کند. انسان مؤمن هرگز از انجام وظایف شرعی باز نمی‌ماند و در هر موقعیتی به روشنگری و مبارزه و مقاومت، حتی در شرایط سخت اسارت ادامه می‌دهد.

* استاد سطح عالی حوزه علمیه قم و مبلغ نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. همچنان‌که آقا سیدعلی اکبر ابوترابی «سید آزادگان» با تأسی از اسیران کربلا که ده سال در سخت‌ترین وضعیت در اسارت بعضی‌ها بود، با استقامت‌ورزی، خدامحوری، آرامش و تواضع و راهنمای اسیرانی شد که سختی اسارت آنها را ناامید کرده بود. همچنین تلاش و مجاهدت و اخلاق او موجب شد افرادی مثل کاظم عبدالامیر، شکنجه‌گر اردوگاه اسیران متحول شود و در راه دفاع از حرم اهل بیت علیهم السلام به شهادت برسد؛ در:

<https://defapress.ir/fa/news/773228>.

عار نبود شیر را از سلسله نیست ما را از قضای حق گله
در این نوشتار به درس‌هایی تربیتی از سبک زندگی امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام در ایام اسارت می‌پردازیم.

اول: تبدیل مصیبت به حماسه

از دشوارترین لحظه‌های تاریخ کربلا، لحظه وداع جانسوز قافله اسیران با بدن‌های پاره‌پاره شهیدان عاشورا است؛ چراکه دشمنان کشته‌های خود را دفن کردند و اسیران دل‌سوخته را از کنار پیکرهای پاک عزیزان شان عبور دادند.

طمأنینه، آرامش، صبر و صلابتی که زینب کبری علیها السلام از خود نشان داد، نکته مهم این ماجراست. آن بانوی عاشورایی، نخست مرثیه‌ای را برای شهیدان کربلا خواند که دوست و دشمن را متأثر کرد: «بِأَبِي الْمَهْمُومِ حَتَّى قَضَى، بِأَبِي الْعَطْشَانِ حَتَّى مَضَى، بِأَبِي مَنْ شَيْئَتْهُ تَقَطُّرُ بِالْدمَاءِ»^۱ پدرم فدای آن‌که با دل پرغصه جان سپرد، پدرم فدای آن‌که با لب تشنه شهید شد، پدرم فدای آن‌که از محاسنش خون می‌چکد». سپس شکوه و جلالی از آل محمد صلی الله علیه و آله در مقابل دشمن به نمایش گذاشت که همه را متحیر کرد. آن پیام‌آور عاشورا به جای ابراز ضعف در مقابل دشمن زبون، در کنار پیکر مطهر امام حسین علیه السلام با خدا مناجات کرد و فرمود: «اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ هَذَا الْقُرْبَانَ»^۲ خدایا این قربانی را قبول فرما». در این جمله نگاه حضرت زینب علیها السلام به شهادت امام حسین علیه السلام به مثابه مصیبت و خسارت نیست، بلکه نگاهی توحیدی است. تقدیم آن وجود مقدس در جایگاه جان‌فدای راه خدا، کسب سرمایه‌ای عظیم است. درواقع او می‌داند که این قربانی، بیداری گسترده جامعه اسلامی و انسانی را در پی دارد.

می‌توان گفت صبر شکوهمندانه و عزت‌آفرین امیر مؤمنان علی علیه السلام در وجود زینب کبری علیها السلام ظهور کرد و صلابت و استحکام مولای متقیان در کلمات دلنشین دخترش موج می‌زد؛ از این‌رو چنان بالبهت این مصیبت را تحمل کرد که آن فضای سنگین معرکه را درهم ریخت و محاسبات دشمن را زیرورو کرد و آن را برای آل رسول صلی الله علیه و آله تحمل‌پذیر نمود.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۵۸.

۲. عبدالرزاق الموسوی المقرّم، مقتل الحسین، ص ۳۰۷.

دوم: آرامش بخشیدن به بازماندگان

زینب کبری علیها السلام، آن سنگ صبور قافله کربلا، نخست با نوحه‌سرایی به‌جا و به‌موقع تا حدودی سبب تخلیه بغض‌های فروخته در گلو شد؛ سپس وقتی متوجه برادرزاده‌اش حضرت علی بن الحسین علیه السلام شد که به‌شدت منقلب بود و در نهایت بی‌تابی و بی‌قراری کم مانده بود قالب تهی کند، خود را به امام سجاد علیه السلام رساند و فرمود: «مَالِي أَرَاكَ تَجُودُ بِنَفْسِكَ يَا بَقِيَّةَ جَدِّي وَ أَبِي وَ إِخْوَتِي: تَوَرَّاهُ جَدُّ وَ أَبِي وَ بَرَادِرَانِمْ، مِي بَيْنِمِ كِه مِي خَوَاهِي جَانَتِ رَا تَسْلِيمِ كُنِي؟!».

امام سجاد علیه السلام پاسخ داد:

وَكَيْفَ لَا أَجْزَعُ وَأَهْلَعُ وَقَدْ أَرَى سَيِّدِي وَإِخْوَتِي وَعُمُومَتِي وَوَلَدَ عَمِّي وَأَهْلِي مُصْرَعِينَ بِدِمَائِهِمْ، مَرْمَلِينَ بِالْعَرَى، مُسْلَبِينَ، لَا يُكْفَنُونَ وَلَا يُوَارُونَ ... ؟: چگونه بی‌تابی نکنم، درحالی‌که می‌بینم آقایم، برادرانم، عموهایم و عموزادگانم و کسانم بر زمین افتاده و در خونشان غلتیده، سرهایشان جدا شده، لباس‌هایشان به غارت رفته است، نه کفنی دارند، نه دفنی.

زینب علیها السلام با یک خبر غیبی و شگفت‌آور، امام چهارم را تسلی داد و فرمود:

لَا يُجْزَعَنَّكَ مَا تَرَى، فَوَاللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ لَعَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِلَى جَدِّكَ وَأَبِيكَ وَعَمِّكَ، وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ أَنَاسٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ لَا تَعْرِفُهُمْ قَرَاعَتَهُ هَذِهِ الْأُمَّةُ وَهُمْ مَعْرُوفُونَ فِي أَهْلِ السَّمَاوَاتِ أَنَّهُمْ يَجْمَعُونَ هَذِهِ الْأَعْضَاءَ الْمُتَفَرِّقَةَ فَيُؤَارُونَهَا وَهَذِهِ الْجُسُومَ الْمُصَرَّجَةَ، وَيَنْصُبُونَ لِهَذَا الطِّفِّ عِلْمًا لِقَبْرِ أَبِيكَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ لَا يَدْرُسُ أَثَرُهُ وَلَا يَغْفُو رَسْمُهُ عَلَى كُرُورِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ، وَلِيَجْتَهِدَنَّ أُمَّةُ الْكُفْرِ وَأَشْيَاعُ الضَّلَالَةِ فِي مَحْوِهِ وَتَطْمِيسِهِ فَلَا يَزِدَادُ أَثَرُهُ إِلَّا ظَهُورًا وَأَمْرُهُ إِلَّا عُلُوءًا: 'فرزند برادرم، نگران مباش؛ به خدا سوگند این پیمانی است که پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از جد و پدر و عمویت گرفته است و آنان نیز آن را پذیرفته‌اند. خداوند از جماعتی از این امت که گردن‌کشان زمین آنها را نمی‌شناسند، ولی فرشتگان آسمان آنان را می‌شناسند، عهد گرفته است که این پیکرهای پاره‌پاره و پراکنده را جمع کنند و به خاک بسپارند. در آینده در این سرزمین بر مرقد پدرت حسین علیه السلام پرچمی به اهتزاز درمی‌آید که هیچ‌گاه کهنه نشود و در گذر

زمان گزندى به آن نرسد و سردمداران کفر هرچه در محو آن تلاش کنند، روزبه‌روز بر عظمت آن افزوده شود.

دختر شجاع امیرمؤمنان علیه السلام با این پیش‌گویی شگفت‌آورش، فرزند برادر خود را تسلی بخشید و آینده کربلا و عاشورا را آن‌گونه ترسیم کرد که ما امروز بعد از حدود چهارده قرن می‌بینیم. آری، قلب نازنین زینب علیها السلام می‌دانست که این آغاز کار است؛ هرچند تاریک‌دلان بنی‌امیه و منافقان آن را پایان کار می‌پنداشتند و این یکی دیگر از درس‌های بزرگ عقیده بنی‌هاشم علیهم السلام است.

سوم: درس ولایت‌پذیری

همچنان‌که حضرت زینب علیها السلام درس ولایت‌پذیری در اسارت را به دیگران آموخت، امام سجاد علیه السلام نیز پس از بیان خطبه غرا و حماسی حضرت زینب علیها السلام در کوفه، عمه‌اش را «عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلَّمَةٍ: دانای استادندیده» خطاب کرد و درخواست نمود به خطبه‌اش ادامه دهد و زینب علیها السلام امر امامش را اطاعت کردند.

امام سجاد علیه السلام فرمود: «يَا عَمَّةُ! أُسْكِنِي فِي الْبَاقِي عَنِ الْمَاضِي اعْتِبَارًا، وَأَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلَّمَةٍ، فَهَمَّةٌ غَيْرُ مُفْهِمَةٍ، إِنَّ الْبُكَاءَ وَالْحَنِينَ لَا يَرُدُّانِ مَنْ قَدْ أَبَادَهُ الدَّهْرُ: ^۱ ای عمه، دم‌مزن که گذشته، چراغ راه آینده است و توبه حمد الهی، عالمی خدایی هستی و از دانش دیگران نیاموخته‌ای و فهمیده‌ای، بی آنکه لازم باشد دیگران به تو بفهمانند. گریه و ناله، آنچه را روزگار برده، باز نمی‌گردانند». زینب علیها السلام سکوت کرد و این سکوت، بهترین درس ولایت‌پذیری بود.

چهارم: اعلام مظلومیت شهیدان

بنا بر نقل مشهور، اجساد مطهر شهیدان سه روز زیر آفتاب بر روی زمین مانده بودند و باد صحرا بر آن بدن‌های پاک می‌وزید تا آنکه طایفه بنی‌اسد که در غاضریه - محله‌ای نزدیک کربلا - منزل داشتند، پس از تخلیه کربلا از سپاه ابن‌سعد به کربلا آمدند و آن بدن‌های پاک را در خاک و خون مشاهده کردند. آنان از زن و مرد فریادشان به ناله و شیون بلند شد. وقتی که مصمم شدند آن بدن‌های پاک را دفن کنند، چون نه سر در بدن داشتند و نه لباسی بر تن، هیچ یک را نمی‌شناختند؛ از این‌رو متحیر و سرگردان بودند که چه کنند. ناگاه امام سجاد علیه السلام از سمت صحرا به سوی آنان آمد و شهیدان را به آنها معرفی کرد و قبل از همه به دفن پیکر پاک امام حسین علیه السلام اقدام فرمود.

۱. احمد طبرسی، الإحتجاج، ج ۲، ص ۳۱.

ایشان کمی خاک در گوشه‌ای از کربلا را کنار زد، قبری ساخته و پرداخته آشکار شد، دست‌ها را زیر بدن قرار داد و به تنهایی به داخل قبر برد و فرمود: «با من کسانی هستند که مرا یاری کنند»؛ چون بدن را در قبر نهاد، صورت مبارکش را بر گلوی بریده پدرش گذاشت و درحالی که باران اشک چون ابر بهاری بر گونه‌هایش جاری بود، فرمود: «خوشا به آن زمینی که پیکر پاک تو را دربرگرفته، دنیا پس از تو تاریک شد و آخرت به نور جمال تو روشن گشت. شب‌ها دیگر خواب به سراغم نمی‌آید و اندوهم پایانی نخواهد داشت تا آن زمان که خداوند اهل بیت علیهم‌السلام تو را به تو ملحق کند و در کنار تو جای دهد. درود و سلامم بر تو باد ای فرزند رسول خدا و رحمت و برکات خدا بر تو باد».^۱

آن‌گاه از قبر خارج شد و آن را از خاک پوشاند و با انگشت روی قبر نوشت: «هَذَا قَبْرُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي قَتَلُوهُ عَطْشَانًا غَرِيْبًا»^۲ این قبر حسین بن علی علیه‌السلام است که او را با لب تشنه و غریب کشتند».

پنجم: مدیریت بحران

نه تنها زینب از دین یآوری کرد به همت کاروان را رهبری کرد
به دوران اسارت با یتیمان نوازش‌ها به مهر مادری کرد

حضرت زینب علیها‌السلام در ایام اسارت نه تنها از امام سجاد علیه‌السلام پرستاری می‌کرد، بلکه جمعی زن و کودک داغدار، گرسنه، تشنه، بی‌پناه و مجروح و کتک‌خورده را که به شدت نیازمند سرپرستی، پرستاری و نوازش‌های عاطفی بودند، تحت حمایت معنوی خود قرار داد. او نه تنها از این گروه بی‌پناه حمایت می‌کرد، بلکه خود را سپر بالای آنان قرار داده بود. تازیانه‌های دشمن را به جان می‌خريد و نمی‌گذاشت که بچه‌ها و اطفال یتیم در معرض بی‌مهری‌های دشمن قرار گیرند. او تمام این مشکلات را در راز و نیازهایش با خداوند عالمیان در میان می‌نهاد و گاهی نیز در خطاب با پیکر مجروح برادر، درد دل می‌کرد و می‌گفت: «يَا بَنِي امِي لَقَدْ كَلَّلْتَ عَنِ الْمَدَافِعَةِ لِهَؤُلَاءِ النِّسَاءِ وَالْأَطْفَالِ وَهَذَا مَتْنِي قَدْ اسْوَدَ مِنَ الضَّرْبِ»^۳ ای پسر مادرم، در دفاع از این زنان و کودکان درمانده شده‌ام و این چهره سیلی خورده من است که از ضربات [دشمن] سیاه شده است».

۱. ناصر مکارم شیرازی، عاشورا: ریشه‌ها، انگیزه‌ها، ص ۵۵۱.

۲. عبدالرزاق الموسوی المقرّم، مقتل الحسين علیه‌السلام، ج ۱، ص ۳۲۰.

۳. محمد مهدی حائری، شجره طوبی، ج ۲، ص ۲۳۷؛ سید محمد کاظم قزوینی، زینب الکبری من المهد الی اللحد، ج ۱، ص ۲۶۶.

زینب کبری علیها السلام با فداکاری‌های خویش برای تکمیل قیام امام حسین علیه السلام از هیچ کوششی فروگذاری نکرد و برای اعتلای دین اسلام و تجدید حیات دوباره آن تمام زحمات و رنج‌های مادی و معنوی را به جان خرید. او در این راه به‌شایستگی از بانوان و اطفال قافله پرستاری کرد و در تمام صحنه‌ها دیگران را بر خود مقدم داشت.

در همین سفر اسارت، حضرت زینب علیها السلام بارها به یاری امام سجاد علیه السلام شتافت و پرستاری و حفظ جان آن حضرت را سرلوحه برنامه‌هایش قرار داده بود؛ از جمله نقل شده است در عصر عاشورا هنگامی که به خیمه‌ها حمله کردند، دختر فداکار علی علیه السلام با از خودگذشتگی تمام امام سجاد علیه السلام را از میان آتش نجات داد. یکی از سربازان دشمن مشاهدات خود را چنین گزارش می‌کند: در هنگام غارت خیام، بانوی بلندقامتی را دیدم که مثل پروانه به گرد یک خیمه آتش گرفته دور می‌زند، گاهی به داخل خیمه می‌رود و گاهی بیرون می‌آید، با سرعت نزد او رفتم و گفتم: ای بانو، مگر شعله آتش را نمی‌بینی؟! چرا مانند سایر بانوان فرار نمی‌کنی؟ با صدایی بغض‌آلود گفت: «ای مرد، ما شخص بیماری در این خیمه داریم که توان نشستن و برخاستن را ندارد، چگونه او را رها کنم، درحالی که آتش از هر سو به طرف او شعله می‌کشد؟!». ^۱

از آن ترسم که آتش شعله گیرد
میان خیمه بیمارم بمیرد

درون خیمه زین‌العابدین است
همه دار و ندار من همین است

ششم: استمداد از عبادت

ارتباط مری در بند اسارت هر اندازه با آفریدگار هستی قوی‌تر باشد، تأثیرگذاری‌اش در هدایت و تربیت متربیان بیشتر می‌شود و اعتماد به شخصیت او و توجه به تعلیماتش افزون‌تر خواهد شد. از روش‌های تربیتی حضرت زینب علیها السلام و امام سجاد علیه السلام در ایام اسارت که قدرت هدایت‌گری‌شان را افزایش داد، مقام توحید عبادی آنهاست.

رابطه بندگی و عبودیت حضرت زینب علیها السلام با خدای متعال چنان قوی بود که امام حسین علیه السلام که خود واسطه فیض الهی و از بالاترین مرتبه عبودیت برخوردار بود، از خواهر مکرمه و عابده خویش درخواست دعا در نماز شب می‌کرد. ^۲ امام سجاد علیه السلام فرمود: «إِنْ عَمَّتِي زَيْنَبُ كَانَتْ

۱. جمع من العلماء البحرين، وفيات الائمة، ص ۱۵۹؛ عبدالکریم پاک‌نیا، نگاهی به خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام، ص ۳۶.

۲. ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۶۱.

تُوَدِّي صَلَوَاتُهَا مِنْ قِيَامِ الْفَرَائِضِ وَ التَّوَافِلِ عِنْدَ مَسِيرِنَا مِنَ الْكُوفَةِ إِلَى الشَّامِ وَ فِي بَعْضِ مَنَازِلِ كَانَتْ تُصَلِّي مِنْ جُلُوسٍ ... لِشِدَّةِ الْجُوعِ وَ الضَّعْفِ: ^۱ عمه‌ام زینب در مسیر کوفه تا شام همه نمازهای واجب و مستحب را اقامه می‌نمود و در بعضی منازل از شدت گرسنگی و ضعف، نشسته نماز می‌خواند». درواقع زینب کبری علیها السلام هرگز رابطه‌اش را با خدای متعال کم نمی‌کرد؛ چراکه اصلی‌ترین عامل قوت و استقامت در مسیر تربیت جامعه، همین ارتباط با خدای متعال است؛ به همین دلیل سختی‌ها، گرسنگی‌ها، ضعف بدنی و مصیبت‌های ایام اسارت با عبادت‌های شبانه آسان می‌شد. ^۲ همان‌گونه که شاعر گفته است:

دعای صبح و آه شب، کلید گنج مقصود است

بدین راه و روش می‌رو که با دلدار پیوندی

هفتم: غفلت‌زدایی از امت

پس از ورود اسیران کربلا به دمشق، آنان را وارد مسجد جامع شهر کردند و در کنار پلکان مسجد - جایی که اسیران را برای دیدن مردم نگه می‌داشتند - نگه داشتند و منتظر ماندند تا یزید به آنان اجازه ورود به مجلس بدهد. در این هنگام پیرمردی به آنان نزدیک شد و گفت: «خدای را سپاس که شما را هلاک کرد و مردم را از ستم شما آسوده ساخت و امیرمؤمنان را بر شما چیره کرد». ^۳

گفتگوی امام سجاد علیه السلام با آن پیرمرد این‌گونه ادامه یافت:

- «ای پیرمرد آیا قرآن خوانده‌ای؟»

- بله خوانده‌ام.

- «آیا این آیه قرآن را خوانده‌ای: قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى: ^۴ بگو من هیچ

پاداشی از شما برای رسالتم درخواست نمی‌کنم، جز دوست‌داشتن نزدیکانم [اهل بیت]».

- آری آن را خوانده‌ام.

- «خویشان و نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله ما میم که خداوند دوستی ما را مزد رسالت خویش قرار داده

است».

۱. عبدالله البحرانی، مستدرک عوالم العلوم و المعارف، ج ۱۱، ص ۹۵۴.

۲. فرقان: ۷۷.

۳. و ... حَتَّى وَقَفُوا عَلَى دَرَجِ بَابِ الْمَسْجِدِ ... (محمد بن علی ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۵، ص ۱۳۰).

۴. شوری: ۲۳.

- «آیا آیه "وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقُّهُ"¹ و حق نزدیکان را پرداز" را در قرآن خوانده‌ای؟»

- آری آن را نیز خوانده‌ام.

- «ای پیرمرد، خویشان رسول خدا ﷺ ماییم».

- «ای پیرمرد آیا این آیه از قرآن را خوانده‌ای: "وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ

وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ ...:² بدانید هرگونه غنیمتی که به دست آوردید، خمس آن برای خدا و برای پیامبر ﷺ و برای ذی‌القربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه [از آنها] است ...».

- این آیه را هم خوانده‌ام.

- «بدان که منظور از ذوی‌القربی در این آیه ما هستیم».

- «آیا این آیه از قرآن را هم خوانده‌ای که: "إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ

وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا:³ خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل‌بیت علیهم‌السلام دور کند و کاملاً شما را پاک سازد».

- این آیه را هم خوانده‌ام.

- «منظور از اهل‌بیتی که خداوند آنان را از رجس و پلیدی پاک کرد ماییم».

در این هنگام پیرمرد اندکی خاموش شد و درحالی‌که از گفته‌هایش پشیمان شده بود، سرش را به آسمان بلند کرد و گفت: «پروردگارا، من به پیشگاه تو از آنچه گفته‌ام و از دشمنی با آل محمد ﷺ توبه می‌کنم و از دشمنان خاندان محمد ﷺ از انس و جن بیزاری می‌جویم».^۴

هشتم: تربیت نخبگان

حضرت سجاد علی‌ه‌السلام و زینب کبری علی‌ها‌السلام در ایام اسارت با خطابه‌های روشنگر و آتشین خودشان چنان تحولی در کوفیان به وجود آوردند که نسل‌های بعدی با الهام از سیره و سخن آنان به سوی کمال گام برداشتند. شیعیان کوفه بعد از تجربه‌های تلخی که در آن شهر در برابر اهل‌بیت علیهم‌السلام

۱. اسراء: ۲۶.

۲. انفال: ۴۱.

۳. احزاب: ۳۳.

۴. محمد بن علی ابن‌اعثم کوفی، الفتوح، ج ۵، ص ۱۳۰.

گرفته بود، از کرده‌ی خود پشیمان شدند و افزون بر شرکت در قیام‌های سیاسی همچون قیام توأیین و مختار، به سوی اهل بیت علیهم‌السلام روی آوردند.^۱ خطابه‌های امام سجاد علیه‌السلام و زینب کبری علیها‌السلام در سال ۶۱ هجری، روح ایمان را دوباره در کوفیان زنده کرد و آن زحمات در پنجاه سال بعد ثمره داد. چند تن از نخبگان کوفی که بر اثر تبلیغ حضرت زینب علیها‌السلام و امام سجاد علیه‌السلام پاسدار فرهنگ عاشورا شدند، عبارت‌اند از: ۱. ابوحمزه ثمالی؛ ۲. سعید بن جبیر؛ ۳. مفضل کوفی؛ ۴. عبدالله بن ابی‌یعفور؛ ۵. زرارة بن اعین^۲ و

نهم: امیدافزایی در جامعه

امام سجاد علیه‌السلام و حضرت زینب علیها‌السلام در مجلس یزید و در اوج اسارت و در مقابل طاغوت زمان هرگز ناامید و افسرده نشدند، بلکه با روحیه‌ای مضاعف در مقابل دشمن به تمام اهل کاروان روحیه امید تزریق کردند. در ورود به مجلس ابن‌زیاد، زینب علیها‌السلام چنان با ابهت و شجاعت و بزرگ‌منشی خود را پوشانده بود که ابن‌زیاد پرسید: «مَنْ هَذِهِ الْمُتَنَكِّرَةُ الْمُتَكَبِّرَةُ؟»^۳ این زن ناشناس بزرگ‌منش کیست؟

بعد وقتی ایشان را شناخت، برای اینکه زینب کبری را بشکند، ناامید کند و روحیه‌اش را تضعیف نماید، گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَحَكُمْ وَقَتَلَكُمْ وَأَكْذَبَ أَحَدُوتَكُمْ: حمد و سپاس خداوندی را که شما را رسوا کرد و شما را به قتل رساند و دروغ شما در گفتارتان آشکار کرد». حضرت زینب علیها‌السلام در پاسخ ابن‌زیاد با کمال شهادت فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَطَهَّرَنَا تَطْهِيراً: حمد و سپاس خداوندی را سزااست که ما را به محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گرامی داشت و ما را کامل پاک و مطهر کرد».

سپس ادامه داد: «لَا كَمَا تَقُولُ وَإِنَّمَا يَفْتَضَحُ الْفَاسِقُ وَيَكْذِبُ الْفَاجِرُ وَهُوَ غَيْرُنَا: این‌گونه نیست که می‌گویی، همانا فاسق رسوا و بدکار تکذیب می‌شود؛ او دیگری است نه ما».

ابن‌زیاد گفت: کار خدا را در برابر برادر و اهل بیت چگونه دیدی؟

حضرت زینب علیها‌السلام فرمود: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً: من از خداوند جز خیر و زیبایی چیزی

۱. محمدحسین رجبی، کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، ص ۵۶.

۲. محمد بن حسن طوسی، رجال طوسی، یاران امام چهارم و پنجم و ششم؛ احمد صادقی اردستانی، زنان دانشمند و راوی، ص ۲۹۸.

۳. جمع من العلماء البحرانیین، وفيات الأئمة، ص ۴۵۴.

ندیدم). سپس افزود: «هُؤْلَاءِ قَوْمٌ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْقَتْلَ فَبَزَزُوا إِلَى مَضَاجِعِهِمْ: اینان سعادتمندانی بودند که خداوند مقام شهادت را سرنوشت‌شان کرد؛ ازاین‌رو [داوطلبانه] به خوابگاه‌های ابدی خود شتافتند».

«وَسَيَجْمَعُ اللَّهُ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُمْ فَتُحَاجُّ وَتُخَاصِمُ، فَاَنْظُرْ لِمَنِ الْقَلْبُ يَوْمَئِذٍ. هَبْلَتَكَ امْكُ يَا بَنَ مَرَجَانَةَ: به‌زودی خداوند بین آنان و تو را جمع کند تا تو را به محاکمه بکشد. آن‌گاه بنگر در آن دادگاه و محاکمه چه کسی پیروز و چه کسی در مانده است؟ مادرت به عزایت بنشیند ای پسر مرجانة».^۱

حضرت زینب علیها السلام در مجلس یزید هم حماسه دیگری آفرید و امیدواری و تاب‌آوری خود را در کنار اسیران آل‌الله و در مقابل دشمن باز هم نشان داد. آن گرامی در آن مجلس بیداد از امید به آینده سخن می‌گوید و خطاب به یزید می‌فرماید: «فَكَيْدَ كَيْدِكَ وَاسْعَ سَعِيكَ وَنَاصِبَ جُهْدِكَ قَوْلَ اللَّهِ لَا تَمْخُو ذِكْرَنَا»^۲ ای یزید، هر نیرنگی که می‌خواهی بزن و هر اقدامی که می‌توانی، انجام بده و هر کوشش که داری، دریغ مدار؛ سوگند به خدا که نمی‌توانی نام ما را محو کنی». یعنی آینده از آن ماست و تمام امید و آروزی باطل تو بر اثر این جنایات بر باد خواهد رفت.

حضرت سجاد علیه السلام نیز در خطابه مسجد اموی همین حماسه را تکرار کردند.

دهم: ستایش خداوند در همه حال

از مهم‌ترین بخش‌های اسارت عاشوراییان، احیای نام شهیدان و نشان‌دادن مظلومیت آنان و رساندن پیام حماسه کربلا به گوش عالمیان بود. آن پیام‌آوران عاشورا از آغاز اسارت تا منزل‌های مختلف آن در شهرهای سر راه کاروان، برای مردم آن مناطق و در مجلس یزید و از هر فرصتی برای روشنگری بهره بردند و فقط به روضه‌خوانی و مصیبت‌بسنده نکردند. از جمله این روشنگری‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

حضرت زینب علیها السلام با شکوه و جلالی مثال‌زدنی در مقابل دشمن صحنه‌ای را رقم زد که آینده تاریخ بشر همچنان از آن ستایش می‌کند. آن گرامی بعد از عزاداری کوتاه، برای اینکه دشمن با خطای محاسباتی خود برداشت موضع ضعف از کاروان اسیران نکند، در کنار پیکر مطهر امام حسین علیه السلام با خدا مناجات نمود و فرمود: «اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ هَذَا الْقُرْبَانَ»^۳ خدایا این قربانی را قبول

۱. عزالدین ابوالحسن ابن‌اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۸۱۲؛ موفق بن احمد خوارزمی، مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۴۲.

۲. سیدرضی الدین علی بن طاووس، اللهوف، ص ۲۹۲.

۳. عبدالکریم پاکنیا، «حضرت زینب علیها السلام تربیت‌یافته مکتب وحی».

فرما»؛ یعنی خدایا، ما هرگز از این همه مصیبت و شهادت ناراضی نیستیم، بلکه به این قربانیان ارزشمند راه حق افتخار می‌کنیم و امروزه این حرکت بانوی عاشورا، الگوی همه خانواده‌های شهیدان است.

حضرت سجاد علیه السلام در خطبه شام هم روشنگری‌های مؤثری انجام داد؛ به گونه‌ای که یزید و یزیدیان رسوا شدند و گناه را به گردن همدیگر انداختند و فجایع عاشورا را به شدت نکوهش کرد. ایشان در مجلس ابن زیاد هم تجلیل از شهیدان را به نمایش گذاشت و ذره‌ای شکوائیه و گلایه از آن گرامیان دیده نشد.

حضرت سجاد علیه السلام در برگشت به مدینه هم خطبه‌ای توحیدی ایراد کردند و شکر و حمد ثنای الهی را به زیباترین شکلی به جا آوردند و خدای را در پیروزی معنوی در این آزمون سخت، بارها شکر و سپاس نمود و فرمود:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ، بَارِي الْخَلَائِقِ اجْمَعِينَ، الَّذِي بَعْدَ فَارْتَقَعَ فِي السَّمَاوَاتِ الْعُلَى، وَقَرَّبَ فَشْهَدَ النَّجْوَى، نَحْمَدُهُ عَلَى عَظَائِمِ الْأُمُورِ، وَفَجَائِعِ الدُّهُورِ، وَالْمِ الْفَوَاجِعِ، وَمَضَاضَةِ اللَّوَاذِعِ، وَجَلِيلِ الرُّزْءِ، وَعَظِيمِ الْمَصَائِبِ الْفَاطِظَةِ، الْكَاطِظَةِ الْفَادِحَةِ الْجَائِحَةِ. أَيُّهَا الْقَوْمُ! إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَلَهُ الْحَمْدُ: حمد و سپاس خداوند را سزااست که پروردگار عالمیان است. او مالک روز جزا و آفریننده همه خلائق است. همان خدایی که هم آنچنان مقامش بلند و رفیع است که در آسمان‌های بلندمرتبه، رفعت گرفته است و هم آنچنان به ما نزدیک است که شاهد زمزمه‌ها بوده، آنها را می‌شنود. ما او را در سختی‌های بزرگ و آسیب‌های روزگار و درد و رنج حوادث ناگوار و مصائب دلخراش و بلاهای جانسوز و مصیبت‌های بزرگ، سخت، رنج‌آور و بنیان‌سوز سپاس می‌گزاریم. ای مردم، خداوند متعال - که جمیع مراتب حمد مخصوص اوست - ما را به مصیبت‌های بزرگ مبتلا فرمود.

سپس فرمود:

... قُتِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَعِثْرَتُهُ، وَسُبَى نِسَاؤُهُ وَصِبْيَتُهُ، وَدَارُوا بِرَأْسِهِ فِي الْبُلْدَانِ مِنْ فَوْقِ عَامِلِ السَّنَانِ، وَهَذِهِ الرِّزْيَةُ الَّتِي لَا مِثْلَهَا رِزْيَةٌ...؛ فَعِنْدَ اللَّهِ نَحْتَسِبُ فِيهَا أَصَابَنَا وَابْلَغَ بِنَا، أَنَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ^۱... آری حضرت اباعبدالله حسین علیه السلام و عترتش کشته شدند. اهل حرم، زنان و اطفال او اسیر گردیدند و سر او را بر سر نیزه زدند و در

۱. سیدرضی‌الدین علی بن طاووس، اللمهوف، ص ۱۱۶.

شهرها به گردش درآوردند و این مصیبتی است که همانند ندارد ... ما این همه را که به ما رسید، به حساب خدا منظور می‌کنیم؛ چرا که او شکست‌ناپذیر و انتقام‌گیر است.

یازدهم: توبیخ تماشاگران و بی‌طرفان

کسانی که تماشاگر فاجعه عاشورا شدند یا در هر فاجعه دردناک دیگری که می‌توانستند اثرگذار باشند و تأثیرگذار نشدند، باید توبیخ شوند که امام سجاد علیه السلام به شدیدترین صورت آنها را توبیخ و سرزنش کردند تا در آینده کسانی که در جنگ حق و باطل بی‌طرف و تماشاچی هستند، تکلیف خود را بدانند و عبرت بگیرند.

(الف) امام زین‌العابدین علیه السلام وقتی گریه اهل کوفه را دید، فرمود: «اتَّوَحُّونَ وَتَبْكُونَ مِنْ أَجْلِنا، فَمَنْ الَّذِي قَتَلَنَا؟»^۱ آیا برای ما نوحه و گریه می‌کنید؛ پس چه کسی ما را کشته است؟».

(ب) جناب ام‌کلثوم علیها السلام هم وقتی مردم کوفه را دید که به حال اسیران اهل بیت علیهم السلام گریه می‌کردند، فرمود: «صَهْ يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ، تَقْتُلُنَا رِجَالَكُمْ، وَتَبْكِينَا نِسَاءَكُمْ؟ فَالْحَاكِمُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَوْمَ فَضْلِ الْقَضَاءِ: ساکت باشید ای کوفیان، مردانتان ما را می‌کشند و زنانتان بر ما می‌گریند؟ داور میان ما و شما در روز قیامت خداوند است».

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن‌اثیر، عزالدین ابوالحسن، الكامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر، ۱۳۸۵ ق.
۲. ابن‌اعثم کوفی، محمد بن علی، الفتوح، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۱۱ ق.
۳. ابن‌طاووس، علی بن موسی، اللهوف، قم: نشر مؤمنین، ۱۳۷۹ ش.
۴. ابن‌قولویه قمی، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۵. البحرانی، شیخ عبدالله، العوالم (الامام الحسین علیه السلام)، قم: مدرسه الامام المهدی علیه السلام، ۱۴۰۷ ق.
۶. البحرانی الأصفهانی، الشیخ عبدالله، مستدرک عوالم العلوم و المعارف، قم: مؤسسه الامام المهدی علیه السلام، ۱۴۱۳ ق.
۷. پاکستان، عبدالکریم، «حضرت زینب علیها السلام تربیت‌یافته مکتب وحی»، مجله مبلغان، ش ۲۶۱.

۱. همان، ص ۱۸۹ - ۱۹۲ (با تلخیص).

۸. پاک‌نیا، عبدالکریم، نگاهی به خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام، قم: نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۸۹ ش.
۹. تستری، محمدتقی، قاموس الرجال، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۹ ق.
۱۰. جمع من العلماء البحرانیین، وفيات الأئمة، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۵ ق.
۱۱. حائری، محمد مهدی، شجره طوی، نجف: نشر حیدریه، ۱۳۸۵ ق.
۱۲. خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل خوارزمی، قم: نشر مفید، [بی‌تا].
۱۳. رجبی، محمدحسین، کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، تهران: دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، ۱۳۷۸ ش.
۱۴. شیخ مفید، محمد بن نعمان عکبری، الإرشاد، قم: مؤسسة آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۱۳ ق.
۱۵. صادقی اردستانی، احمد، زنان دانشمند و راوی حدیث، قم: نشر دفتر تبلیغات اسلام، ۱۳۷۷ ش.
۱۶. طبرسی، احمد، الاحتجاج، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۱۷. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، بیروت: مؤسسة علمی، ۱۸۷۹ م.
۱۸. طوسی، محمد بن الحسن، رجال الطوسی، قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۵ ق.
۱۹. قزوینی، سید محمد کاظم، زینب الكبرى من المهد الى اللحد، قم: دارالغدیر، ۱۳۸۱ ش.
۲۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ ق.
۲۱. محلاتی، ذبیح‌الله، ریاحین الشریعه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ ش.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، عاشورا: ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها، قم: انتشارات امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام، ۱۳۸۷ ش.
۲۳. الموسوی المقرّم، عبدالرزاق، مقتل الحسین علیه السلام، تهران: دارالکتاب الإسلامی، ۱۳۹۹ ق.